

بحثی پیرامون مادہ ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی

سعید بیاتی



ثروث گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

مذهب در ذات خود حاوی دستورات و پیامهایی است که جامعه بشری را به سوی تعالی و رشد رهنمون می‌کند و بدیهی است در این راستا از ابزارهایی چون تشویق و تنبیه استفاده می‌نماید. چه در غیر این صورت بسیاری از افرادی که از حدود خود خارج گشته و بر حدود و حقوق اجتماعی طغیان می‌نمایند، به راحتی راه را بر سایر مردم سد نموده و چه بسا جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند.

دین اسلام نیز به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی در این راستا عمل کرده و علاوه بر پندهای اخلاقی و بشارتهای بسیار به نیکوکاران، در جای جای کتاب آسمانی قرآن به بیان ارزشها و انذار می‌پردازد. به همین علت فقهای عظام - این راه روان تاریخ پرفراز و نشیب فقه شیعی - علاوه بر بیان احکام عبادی در کتابهای خود بخش و بحثی را به باب مجازاتها از قبیل دیات و حدود و قصاص اختصاص داده‌اند. یعنی آن دسته از ارزشهایی را که برای بقاء اسلام و اخلاقیات فردی و اجتماعی جنبه حیاتی داشته است به طرق علمی از کتاب، سنت، عقل و اجماع استخراج و در ابواب مربوطه وارد نموده‌اند. یکی از مهمترین ارزشهای مورد حمایت اسلام، ارزشهای خانوادگی است.

اسلام به خانواده به عنوان هسته ابتدایی جامعه اهمیت بسیاری داده و در جهت حمایت از بقاء و تحت ضابطه و قاعده در آوردن آن با ابزارهایی از قبیل تعیین حکم حرام مؤبد برای زنان محصنه‌ای که اقدام به رابطه نامشروع با مردی می‌نمایند و نیز جعل مجازات مرگ برای برقراری رابطه نامشروع فی مابین مردان و زنان محصن و محصنه به حمایت از کیان خانواده

پرداخته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما و لزوم تحول در قوانین جزایی جامعه، قانونگذار اسلامی در مرداد ماه ۱۳۷۵ اقدام به تصویب قانون مجازات اسلامی نمود و در فصل نوزدهم، ذیل عنوان جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی احکامی را که بعضاً در قانون مجازات اسلامی مصوب ۶۱/۹/۲۴ و نیز مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ فاقد سابقه قانونگذاری بوده، بیان و بدین طریق تلاش نموده است تا از خانواده حمایت کافی را به عمل آورد.

مقاله حاضر کوششی است بر نقد و تحلیل ماده ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی که از حیث عنصر مادی و قانونی جدید بوده و امید است مورد امعان اهل نظر قرار گیرد.

الف: سابقه قانونگذاری

قانونگذار اسلامی در مرداد ماه ۱۳۷۵ با تصویب قانون مجازات اسلامی تلاش نمود تا کلیه قوانین متفرق و پراکنده و نیز آرا و نظرات مختلفی را که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ نظرات متفاوتی که در متون مختلف فقهی در باب مجازاتهای اسلامی وجود داشته و طرح آن در صحن عمومی مجلس شورای اسلامی عملاً ممکن نبود و در مرحله تصویب نهایی نیز ممکن بود مخالف فقهای محترم شورای نگهبان را برانگیزد و به نحوی امکان تصویب دایم این قوانین حاصل نگردد، لذا قوانین جزایی فوق به صورت آزمایشی و تحت عناوین قانون تعزیرات^۱، حدود، قصاص و دیات^۲ تصویب گردید که حتی در مواردی پس از اتمام مدت مقرر نیز به لحاظ خلاء قانونی بوسیله محاکم مجری بود.

در نهایت پس از بحثها و بررسیهای بسیار، قانون مجازات اسلامی در دوم خرداد ماه ۱۳۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و بدین نحو به مشکلات عدیده‌ای که به لحاظ موقتی بودن قوانین قبلی بوجود آمده بود پایان داده شد.

در این ارتباط پاره‌ای از اعمال که قبلاً مورد نظر قانونگذار واقع شده و مورد تصویب قرار

گرفته بود عبارت بود از قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشکی قبل از وقوع ازدواج مصوب ۱۶ آذر ۱۳۱۷ و نیز قانون راجع به انکار زوجیت مصوب بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ و همچنین قانون حمایت خانواده مصوب بهمن ۱۳۵۳ که اگر چه پاره‌ای از آنها در قانون اخیر التصویب عیناً وارد شده و به لحاظ تغییر نظام مجازاتها با اندک تفاوتی مورد تصویب قانونگذار اساسی واقع گردیده، لیکن علت این انتخاب از مواد معلوم نبوده و روشن نیست. در صورتی که قانونگذار قصد گردآوری تمامی عناوین مجرمانه مرتبط را در یک مجموعه قانون منسجم داشته به چه علت تنها تعدادی از آن‌ها را انتخاب نموده است و نسبت به بقیه متعزّض نگردیده؟ برای مثال ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی عیناً دارای عنصر مادی ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ بوده که مقرر می‌داشت: «مردی که در موقع ازدواج بر خلاف واقع خود را بی‌زن قلمداد کرده و از این حیث زن را فریب دهد به مجازات فوق محکوم خواهد گردید.» که در این مورد مجازات مقرر عبارت بود از مجازات مقرر در ماده ۵ و ۶ قانون صدر الاشعار که شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی بوده است و نیز در ماده ۵ مقرر شده بود هر یک از زن و شوهری که قبل از عقد طرف خود را فریبی داده که بدون آن فریب مزاجت صورت نمی‌گرفت به شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. قانونگذار اسلامی نیز با تلفیق دو مورد فوق الذکر در ماده ۶۴۷ مقرر داشته است: «چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج، طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود، مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.»

به نظر می‌رسد این ترجیح قانونگذار بلامرجح بوده و در صورتی که قصد قانونگذار همان‌گونه که گفته شد، تدوین مجموعه‌ای منسجم از جرایم شبیه تحت یک عنوان بوده دچار نقض غرض شده و سایر موارد کیفری موضوعه در قوانین سابق همچنان قوانین پراکنده به قوت خود باقی است.

ب. تشدید مجازات و فلسفه آن:

هر جامعه‌ای برای انجام امور جاری خود نیازمند تشکیل و تأسیس سازمانها و مشاغلی است که در کمال صحت و حسن تدبیر به رفع نیازمندیهای آن جامعه بپردازد. همچنین نظارت دقیق بر کارکرد صاحبان آن حرف ایجاب می‌نماید تا قوانین و دستورالعملهای خاص و ویژه‌ای از سوی جامعه برای آن مشاغل و سازمان تدوین و اعمال گردد. ضمانت اجرایی این نظارتها همان مجازاتهایی است که بنام مصالح اجتماعی اعم از مجازاتهای اداری و کیفری بر متخلفین تحمیل می‌شود.

در این راستا هر چه اهمیت شغل فزونتر باشد نظارتها و دستورالعملها و قوانین کیفری آن دقیقتر و سنگین‌تر خواهد بود. برای مثال: «نظر به اهمیت شغل نظامیان در جامعه که عبارت است از تماس دایم با سلاح و مهمات از سویی و امنیت و بقاء قلمرو و حاکمیت آن از سوی دیگر، لذا لازم است در خصوص نظامیان قوانین و مقررات خاصی اعمال شود ک نشأت گرفته از دو اصل سرعت و شدت باشد که این فلسفه قانونگذاری‌های نظامی است.»^۱

مورد دیگر می‌توان به پزشک یا قابله‌ای اشاره نمود که از نوع، میزان و خطر بیماری فرد بیمار آگاه گردیده و بر خلاف شیوه امانتداری اطلاعات مربوط به بیمار خویش را در اختیار دیگران (که ممکن است مورد سوء استفاده‌های مختلف قرارش دهند) می‌گذارد. در این جا قانونگذار در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی برای مرتکب که به دلیل خاصی امکان و قابلیت ساده‌تری برای ارتکاب جرم دارد، مجازات ویژه‌ای تحت عنوان اقصاء سر تعیین نموده است.

این جعل مجازات از سوی قانونگذار دلیلی ندارد جز اینکه مرتکب به لحاظ سمت و وضعیت خاص مرتکب و بعضاً مجنی علیه و یا زمان و مکان و نحوه دسترسی و محیط

۱. بیاتی، سعید، «بررسی و تطبیق قانون دادرسی و کیفر ارتش با قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح» پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تیرماه ۱۳۷۴ ص ۷.

ارتکاب زمینه مساعدتری را نسبت به سایرین دارد که خطر ارتکاب عمل را افزایش می‌دهد و به همین سبب در تمام جهان قانونگذاران با پیش بینی لازم و با محک زدن خطرات ناشی از ارتکاب فعل و لزوم مجازات، اقدام به وضع مجازاتهایی در این زمینه می‌نمایند. به بیان دیگر قانونگذار با تشخیص اینکه ممکن است سبب موجود بوده و با جمع شرط لازم و مقتضیات موجود که همه ناشی از وضعیت خاص مرتکب و ارتباط ویژه او به لحاظ شغل یا انجام وظیفه با مجنی علیه است و در کمترین موقعیت با فراهم آمدن وضعیتی، مانع نیز مفقود بوده و نتواند از سیر ارتکاب جلوگیری نماید و جانی مرتکب فعل مجرمانه شود پیشاپیش اقدام به بیان و جعل مجازات می‌نماید تا مرتکب احتمالی با در نظر گرفتن نفع ارتکاب و احتمال کشف آن عنداللزوم میان مجازات و نفع حاصله از جرم یکی را برگزیند.^۱

در دوران اخیر نیز با همین فلسفه و به لحاظ شدت گرفتن تخلفات مالی در جامعه، قانونگذار اسلامی تحت عنوان قانون تشدید مجازات اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مجازات مرتکبین اختلاس را که دارای سمت امانت بوده و اموال و اشیاء و وجوه نقد دولتی را به سبب شغل در اختیار دارند و برخلاف تکلیف امانتداری عمل می‌نمایند تشدید نموده است. یکی از اساتید سابق حقوق در تقریرات خود در باب تشدید، مجازاتها جهات تشدید را به دو دسته: جهات عینی و جهات شخصی، تقسیم کرده و چنین می‌نویسد: «جهات تشدید مجازات در صورتی شخصی است که مربوط به شخص مجرم باشد مثلاً مجازات هتک ناموس به عنف (طبق قانون مجازات عمومی سابق) بر اساس قسمت اول بند ب ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی حبس جنایی درجه یک است ولی هرگاه مرتکب از اقربای سببی درجه اول مجنی علیه (اعم از ذکور و یا اناث) و یا قیم او و یا مأمور دولت باشد که مجنی علیه از طرف مقامات رسمی به او سپرده شده و یا از محارم مجنی علیها باشد، مجازات او حبس دائم است.»

۱. اگرچه تنوریهای جدید جرم شناسی اساساً منکر قابلیت تصمیم‌گیری از جانب مجرم به طرزى که نظریه حسابگری جزائی بیان می‌نماید می‌باشد. برای مطالعه بیشتر مراجعه به تاریخ اندیشه‌های کیفری ترجمه آقای دکتر علی حسینی نجفی، ابرند آبادی.

بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مجازاتی که در حالت عادی برای سایر اشخاص حبس جنایی بوده است به لحاظ نزدیکی نسبت و یا قیومیت صغیر و یا سرپرستی که به حسب تکلیف دولت به فرد محول گردیده به حساب می‌آمده است و این به سبب اتخاذ سیاست کیفری خاص و حمایت جامعه و افراد در مقابل امکان سهل‌تر ارتکاب بعضی از جرایم از ناحیه افراد به لحاظ نحوه ارتکاب جرم (تشدید عینی) یا وضعیت ویژه مجنی علیه (تشدید شخصی) اهمیت جرم و نتیجه حاصله است (تشدید خاص در مقابل تشدید عام). با بیان مطالب مذکور دانسته شد که هرگاه تشدید مجازات بدون در نظر گرفتن فلسفه فوق که قبلاً به آن اشاره شد عملی گردد، باشد اساساً فاقد فایده بوده و عملی بیهوده است.

ج. بررسی و تحلیل ماده ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی

ماده ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر می‌دارد «هرگاه کسی عملاً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.»

د. بررسی عناصر سه‌گانه جرم

۱) عنصر مادی: عنصر مادی این جرم عبارت است از عقدکردن زن شوهردار برای دیگری^۱ بدین ترتیب که اولاً زن معقوده می‌بایست شوهردار بوده و نکاح قبلی وی به طریق صحیح و درست واقع شده باشد به نحوی که بتوان به آن اطلاق در نکاح غیر بودن نمود همچنانکه در حکم شماره ۷۶۸ شعبه ۲ دیوان عالی کشور مقرر شده جرم عدم اقدام به ثبت ازدواج وقتی تحقق پیدا می‌کند که ازدواج شرعی قانونی و قابل ثبت در دفاتر باشد.

بنابراین لازم است زن معقوده قبلاً به نکاح صحیح عقد شده باشد. در این مورد تفاوتی بین نکاح دائم و موقت نخواهد بود زیرا از باب اطلاق دلالت ماده بر هر زنی است که به حباله

۱. کشاورز، بهمن، «مجموعه محشی قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵» انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۷۸.

نکاح غیر درآمده باشد به طریق صحیح، شرعی و قانونی بنابراین در صورتی که بتوان اطلاق زن شوهردار را از زن برطرف نمود و زن فاقد صفت مذکور باشد از شمول ماده خارج است. همچنین است زنی که در عده دیگری است. در ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی عده را چنین تعریف می‌کند:

«عده عبارت است از مدتی که تا انتهای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند.» و در مواد ۱۱۵۱ الی ۱۱۵۴ قانونگذار به بیان مدت زمان عده برای هر یک از زنان پرداخته و در مواد ۱۱۵۵ الی ۱۱۵۷ به بیان سایر افراد مشمول حکم ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی می‌پردازد. بنابراین لازم است قاضی رسیدگی کننده در هر مورد قبلاً احراز نماید که آیا نکاح قبلی واقع شده یا خیر و در صورت ادعای عدم صحت آن مطروح از جانب زن رسیدگی نماید و خصوصاً در باب زنی که در عده غیر است دقت نماید تا مورد، از کدامیک از موارد مندرج در مواد ۱۱۵۱ الی ۱۱۵۷ قانون مدنی است زیرا با رفع حالتی که نیاز به نگاه داشتن عده در زن است و در مواد قانون مدنی مندرج است خود به خود وصف معنونه زن مذکور از شمول عنوان زنی که در عده دیگری است خارج خواهد شد.

شرط دیگر لازم برای تحقق عنصر مادی جرم مذکور عبارت است از عقد نمودن زنی است که نحوه عقدش در بند قبل ذکر شد. یعنی عقد دوم نیز می‌بایست به طریق صحیح و شرعی انجام شود چه در غیر این صورت از حکم ماده مذکور خارج و می‌تواند عنداللزوم در شمول زنا یعنی «نزدیکی به جنس مخالف» بوده و یا در شمول ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی یعنی عمل منافی عفت غیر از زنا باشد. چه به قرینه قسمت دوم جرم موضوع ماده ۶۴۳ عاقد اساساً فردی آشنا به اصول و قواعد قانونی و فعل وی در شمول ماده ۱۸۳ قانون مدنی بطور کلی بوده و عقد نکاح نیز در شمول آن است. بنابراین به نظر می‌رسد رعایت مواد ۱۰۶۲ به بعد قانون مدنی در وقوع هر دو عقد دخیل بوده و پس از وقوع عقد نکاح به طریق صحیح مشمول بخش اول ماده ۱۱۰۲ خواهد بود. در صورتی که مرتکب جرم فوق دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد که مجازاتی علاوه بر قسمت اول ماده یعنی انفصال دایم

از تصدی دفتر به عنوان مجازات برای مرتکب مقرر شده است که مورد مذکور محل تأمل و بحث این مختصر است. زیرا به موجب قانون ۱۳۱۰/۵/۲۳ که دفتر ازدواج و طلاق در ایران پدید آمد، ماده اول قانون مذکور چنین می‌گوید: «در حوزه‌هایی که وزارت عدلیه معین و اعلان می‌نماید هر ازدواج و طلاق که وقوع یابد در یکی از دفاتری که مطابق نظام‌نامه‌های وزارت عدلیه تنظیم می‌شود واقع و به ثبت برسد»^۱. البته قانونگذار در هیچ یک از موارد به تعریف دقیق دفتر ازدواج و طلاق و نیز دفتر اسناد رسمی نپرداخته است. تنها در ماده ۴۹ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۱۰ به بیان وظایف مسئولین دفاتر اسناد رسمی بشرح زیر پرداخته است:

۱. ثبت کردن اسناد مطابق مقررات قانون
 ۲. دادن سواد مصدق از اسناد ثبت شده به اشخاصی که مطابق مقررات حق گرفتن سواد دارند.
 ۳. تصدیق صحت امضاء
 ۴. قبول و حفظ اسنادی که امانت می‌گذارند.^۲
- بنابراین قانونگذار به بیان وظایف دفترخانه پرداخته و از این طریق می‌توان دانست که اساساً وظایف سر دفتر اسناد رسمی خارج از وظایف مقرر جهت دفاتر ثبت ازدواج تعیین شده است و از آنجایی که وظایف هر یک از این دو صنف در مواد مخصوصه قید شده است و از آنجایی که سند نکاحیه‌ای بر فرض مثال در دفتر اسناد رسمی ثبت گردد خارج از تعریف ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی بوده و اگرچه نزد مأمورین رسمی تنظیم می‌گردد لیکن خارج از حدود صلاحیت آنها بوده و عنداللزوم می‌توان آن را سند عادی محسوب نمود.

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، جلد چهارم - چاپ سوم ۱۳۷۲، انتشارات امیرکبیر تهران.

۲. قانونگذار در قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سر دفتران و دفتر یاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ نیز اشاره می‌نماید که «دفترخانه اسناد رسمی واحد وابسته به وزارت دادگستری است و برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی طبق قوانین و مقررات مربوطه تشکیل می‌شود».

با در نظر گرفتن مجازات مشدده که به لحاظ خاص یعنی داشتن صفت سر دفتری اسناد رسمی برای مرتکب عقد نکاح زن معقوده مقرر گردیده و علاوه بر مجازات حبس از شش ماه تا سه سال و یا مجازات مالی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق، انفصال دائم از شغل سر دفتری است. با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی بدون توجه کامل و کافی به قانون مربوط به دفاتر اسناد رسمی و وظایف سران دفاتر اسناد رسمی بدون جهت و دلیل اقدام به تشدید مجازات سر دفتر اسناد رسمی نموده زیرا در وقوع عقد به وسیله سر دفتر اسناد رسمی و وقوع جرایم ذکر شده توسط سایر افراد از قبیل پزشک یا قاضی و یا وکیل تفاوتی وجود نداشته و ندارد و اقدامات قانونی سر دفتر اسناد رسمی در این زمینه اعتبار و ارزشی برابر افراد مذکور را داشته و دارد و نه بیشتر از آن.

شاید گفته شود اقرار نامه‌ای که در دفاتر اسناد رسمی به تجویز بند ۱ ماده ۳۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ اصلاحیه ۱۳۶۴/۱۰/۱۸ تنظیم می‌گردد از مصادیق ماده مذکور باشد لیکن باید دانست که اقرار از دواج صرفاً دارای اعتبار اقرار بوده و بیان واقعه سابق می‌باشد و لاغیر و بر اساس اقرار طرفین تنظیم می‌شود. بنابراین از شمول قانون مجازات اسلامی خارج است زیرا عنصر مادی جرم معنونه همان گونه که قبلاً بیان گردید عبارت است از انعقاد عقد به نحوی که انشاء امر است و مفید فایده منشأ آن. چنانچه «انشاء نزد اهل عربیت اطلاق بر کلامی می‌شود که برای نسبت آن در خارج امری نباشد که مطابقت کند با آن و مقابل خبر است. (در حالی که خبر محتمل صدق و کذب است بر خلاف مدلول انشاء...»^۱

از طرف دیگر تنظیم سند اقرار مبنی بر وقوع ازدواج بین طرفین از دلالت ماده ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی خارج است زیرا بنا بر تصریح قانونگذار عنصر مادی جرم عبارت است از

۱. دکتر سجادی، سید جعفر، «فرهنگ معارف اسلامی»، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران ۱۳۶۶، ص ۲۲۰.

انعقاد عقد از طرف سر دفتر یا عاقد، و نه تنظیم اقرارنامه رسمی. بنابراین بسیار عجیب به نظر می‌رسد که قانونگذار مجازات اسلامی چنین مقرر کرده باشد و به نحوی اساساً به تشدید مجازات فردی پرداخته باشد که همچون سایرین، شغل وی هیچگونه مداخلیتی در موضوع نداشته و ندارد.

۲. عنصر معنوی جرم:

هنگامی که صحبت از جرم است بلافاصله عنصر معنوی جرم و عنوان عمد در آن مطرح می‌شود زیرا در قوانین جزایی کشور هرگاه حالت غیر عمد آن مطرح بوده بلافاصله قانونگذار به نکته مذکور تصریح نموده است. لذا در هر کجا که عنوان مجرمانه‌ای مطرح است مقصود حالت عمد آن بوده و وضعیت غیر عمد نیاز به تصریح دارد. برابر ماده ۶۴۳ مذکور و بنابر تصریح قانونی و با قید عالمناً جرم مورد نظر از جرایم عمدی است که نیاز به عمد عام دارد. یعنی عاقد باید با علم و اطلاع از اینکه زن مذکور قبلاً در عقد دیگری بوده یا طلاق واقع شده (که آن نوع طلاق با توجه به مواد قانون مدنی نیاز منوطی عده است و زن در آن عده است) عقد دوم را واقع سازد، جرم محقق خواهد شد.

بدیهی است فقدان علم عاقد از معقود بودن زن یا اشتباه قابل قبول در محاسبه عده از عوامل اسقاط عمد مورد نظر قانونگذار خواهد بود.

ج. عنصر قانونی: عنصر قانونی جرم مورد بحث، ماده ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی است.

نتیجه: آنچه حرکت قانونگذار اسلامی در تدوین مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه از قوانین مختلف در مجموعه‌های مختلف و ادوار گوناگون قانونگذاری حرکتی بسیار پسندیده و ستوده است؛ لیکن توجه و دقت در این نکته لازم است که قبل از هر چیز نیاز به گونه‌ای روش منسجم (متدولوژیک) قانونگذاری وجود دارد که خود درست به اندازه شروع قانونگذاری اهمیت دارد و اساساً بدون آن با قوانینی مدنی مواجه خواهیم بود که عملاً متروک خواهند ماند و یا در جامعه ایجاد اختلال خواهند نمود و این نقض غرض

قانونگذاری است که همانا تسریع در روند کارکرد جامعه است. مضافاً اینکه لازم است در تدوین قانون به مسائل و قواعد عام علم حقوق عموماً و قواعد ویژه هر شاخه از حقوق که مورد قانونگذاری واقع می‌شود خصوصاً توجه نمود و از استفاده بی‌دلیل و توسعه بی‌جای قوانین جزائیی خودداری نمود.



شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی